

هراس اخلاقی در دنیای مدرن: بررسی رابطه تعهد مذهبی و پایگاه اجتماعی اقتصادی با هراس اخلاقی

اسماعیل سعدی پور^۱

تاریخ پذیرش: ۹۷/۱/۲۷

تاریخ دریافت: ۹۶/۰۵/۱۲

چکیده

هدف از مطالعه حاضر شناخت تاریخی و تجربی هراس اخلاقی و نسبت آن با بروز برخی پدیده‌های مدرن در جامعه ایران است. روش این پژوهش همبستگی و نمونه آن شامل ۱۸۵ نفر است که با روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای انتخاب شده‌اند. داده‌ها با کمک سیاهه تعهد مذهبی ورتینگتون و همکاران (۲۰۰۳)، پرسشنامه پایگاه اجتماعی-اقتصادی نبوی و همکاران (۱۳۸۷) و فرم هراس اخلاقی شهبابی (۲۰۰۸) گردآوری، و با استفاده از روش‌های آمار توصیفی و تحلیل رگرسیون بررسی شد. نتایج نشان داد متغیرهای سن و دین‌داری رابطه مثبت و معناداری دارند و پیش‌بینی‌کننده‌های مستقیم و طبقه اجتماعی-اقتصادی پیش‌بینی‌کننده معکوس هراس‌های اخلاقی هستند. در پژوهش حاضر می‌بینیم که هراس‌های اخلاقی، همواره یکی از تاکتیک‌های عمده برخورد با جریان‌ات رقیب در ایران بوده است، همچنین با توجه به نقش سن و افزایش تمایل نسل جدید به پدیده‌های نوین و مدرن، به‌ویژه در حوزه رسانه‌ای، متصدیان مسائل تربیتی بر ضرورت شناخت تمایزات بین‌نسلی، شناخت جایگاه رسانه‌ها در رشد اخلاقیات جامعه و عرضه محتواهای فرهنگی مناسب برای جوانان توصیه می‌کنند.

واژه‌های کلیدی: تعهد مذهبی، سن، طبقه اقتصادی اجتماعی، هراس اخلاقی.

۱. دکتری روانشناسی، دانشیار گروه روان‌شناسی تربیتی دانشگاه علامه طباطبائی، e.sadipour@atu.ac.ir

مقدمه

مفهوم هراس اخلاقی^۱ از نظر تبارشناسی به روان‌شناسی اجتماعی برمی‌گردد (بن یهودا و گود^۲، ۱۹۹۴). این مفهوم را هال^۳ استوارت و همکارانش در کتاب «مدیریت بحران»^۴ استفاده کردند که براساس آن، هراس اخلاقی فرایندی برای ایجاد و تقویت هژمونی مطرح شد. هال معتقد بود هراس‌های اخلاقی راهی برای گمراه‌کردن افکار عمومی و کتمان اساسی بحران نظام سرمایه‌داری است (هال، ۱۹۷۸). بر این مبنای شیاطین قوم^۵ عبارت‌اند از تیپ‌های اجتماعی^۶ که اندیشه یا رفتار یا احساس آن‌ها در ایدئولوژی مسلط یا بخشی از افراد و گروه‌های اجتماعی پذیرفته نیست؛ بنابراین فرد، افراد، گروه‌ها، ملت، اشیا یا فناوری‌هایی که منشأ تهدید معرفی می‌شوند، ممکن است شیاطین قوم باشند (شهابی، ۲۰۰۸)؛ از این رو، بالقوه موضوعات مختلفی در هراس اخلاقی مطرح می‌شود.

مهم‌ترین اثر روان‌شناسی اجتماعی که در آن به هراس اخلاقی پرداخته شده کتاب «شیاطین قوم و هراس‌های اخلاقی»^۷ از فردی یهودی به نام استنلی کوهن^۸ (۲۰۰۲) است.^۹ وی (۲۰۰۲)، این اصطلاح را برای واکنش‌های رسانه‌ای، افکار عمومی و کارگزاران کنترل اجتماعی به انحرافات^{۱۰} به‌کار برد، بنا به تعریف او هراس اخلاقی، فرایند ایجاد یا برانگیختن^{۱۱} است؛ «جوامع، هرازگاهی در معرض دورانی از هراس اخلاقی قرار می‌گیرند؛ یک حالت، یک شخص یا گروهی از افراد تهدیدی برای ارزش‌ها و منافع اجتماعی تعریف می‌شوند. رسانه‌های جمعی با پیش‌داوری به سراغ آن موضوع می‌روند. سردبیران، کشیش‌ها، سیاستمداران و دیگر وابستگان به جناح راست، پشت سنگرهای اخلاقی موضع می‌گیرند. متخصصان و کارشناسان تشخیص و راه‌حل خود را پیشنهاد می‌کنند. شیوه‌های حل مسئله مطرح می‌شود، اما این وضعیت یا ناگهان

1. Moral Panic
2. Ben-Yehuda N & Goode E
3. Hall
4. Policing the crisis
5. Folk devils
6. Social types
7. Folk Devils & Moral Panic,s
8. Cohen, Stanley
9. این کتاب نخستین بار در سال ۱۹۷۲ به چاپ رسیده و نویسنده به چاپ جدید این کتاب در سال ۲۰۰۲ دسترسی داشت.
10. Deviance
11. Stimulation

محو، یا وخیم‌تر می‌شود. گاهی اوقات، موضوعات هراس‌برانگیز جدید است، زمانی هم موضوعی است که پیش‌تر وجود داشته و بار دیگر احیا شده است. گاهی هراس فراموش می‌شود و تنها در حافظهٔ جمعی^۱ و فرهنگ‌عامه^۲ می‌ماند، اما گاهی اوقات نیز پیامدهای جدی‌تر و بادوام‌تری دارد و ممکن است تحولاتی را در سیاست‌گذاری اجتماعی یا قانون‌گذاری یا حتی در نحوهٔ تصور یک جامعه از خودش ایجاد کند» (کوهن، ۲۰۰۲).

مدل تحلیلی کوهن دربارهٔ هراس اخلاقی از چهار مرحلهٔ هشدار^۳، تأثیر^۴، فهرست خسارت^۵ و واکنش^۶ تشکیل شده است. هنگامی که پدیده‌ای جدید و به‌ظاهر منفی در جامعه به‌وجود می‌آید، نخبگان (رهبران سیاسی، مذهبی، فکری و...)، نسبت به ظهور یک فاجعه هشدار می‌دهند. پس از اینکه این پدیده موجب تأثیراتی منفی در جامعه شد، رسانه‌های گروهی به‌سرعت و با شدت آن را به شکلی اغراق‌آمیز و بزرگنمایی شده با کمک کارشناسان و نخبگان نمادینه و بازنمایی^۷ می‌کنند. پس از آن، نهادهای کنترل اجتماعی در حالی که رسانه‌ها بسترسازی کرده‌اند، وارد عمل می‌شوند و با پدیده برخورد می‌کنند.

کوهن، به بررسی انجمن و طرفداران راکاند رول^۸ پرداخت که در سال ۱۹۶۰ و اوایل ۱۹۷۰، تهدیدی برای جامعهٔ بریتانیا بودند. براساس مطالعات وی، مکانیسم کنترل اجتماعی برای برخورد با پدیدهٔ مذکور حول سه محور می‌چرخد:

۱. همهٔ رویدادهای مشابه که در مناطق دیگر روی می‌دهند با این گروه‌ها مرتبط هستند.
 ۲. جامعه خواستار تدابیر سخت‌گیرانه‌تر برای پاسخ به این تهدیدات است.
 ۳. پلیس و دستگاه قضایی برای مواجهه با این تهدیدات باید قدرت بیشتری داشته باشد.
- با توجه به آنچه بیان شد، به نظر کوهن کسانی که به هراس اخلاقی دامن می‌زنند تلاش می‌کنند مسئله را ملی و فراگیر جلوه دهند و در بطن جامعه به زوال اخلاقی و ازمیان‌رفتن نظم اجتماعی حساسیت داشته باشند (کوهن، ۲۰۰۲).

1. Collective memory
 2. Folklore
 3. Warning
 4. Effects
 5. Damage List
 6. Reaction
 7. Representation
 8. Rock and Roll

در تعریف دیگر، هراس اخلاقی، واکنش عمومی به یک منبع تهدید به‌شمار می‌آید که خرده‌فرهنگ جوانان، فناوری یک ملت (اسلام‌هراسی^۱ و...) یا بخشی از مردم یک جامعه است که این معرفی غالباً در قالب الفاظی صورت می‌گیرد؛ برای مثال، به‌منظور معرفی کردن ویدئو به‌عنوان بحران و تهدید، تا حدی پیش می‌روند که آن را بمب اتم، آفت، موریانه و اسب تراوا می‌دانند و می‌گویند ویدئو شخصیت دوگانه ایجاد می‌کند و...؛ بنابراین، هر هراسی اخلاقی به ایجاد بحران نیاز دارد تا بتواند اقتناع^۲ کند و پس از درست‌کردن اجماع^۳، ماریپیچ سکوت^۴ را تشدید کند (شهابی، ۲۰۰۸).

پرداختن به مسئله هراس‌های اخلاقی در مقایسه با جامعه ایران از این حیث ضروری است که با مروری بر تاریخ به‌نظر می‌رسد ایران در فضای سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و روانی با هراس‌های اخلاقی روزافزونی در مواجهه با سنت و مدرنیته مواجه بوده است (شهابی، ۲۰۰۸). از مواجهه سنت‌گرایان و بنیادگراان صدر مشروطه با نظام مدرن مشروطه، تا مواجهه اغلب خشونت‌بار با پدیده‌ها و مظاهر مدرن و روندهای معکوس آن یعنی مواجهه هراس‌آلود مدرن‌ها و روشنفکران با مظاهر سنت؛ برای مثال، هراس از حجاب در عصر رضاشاه که با تولید هراس اخلاقی و پیوندزدن آن با قدرت نظامی سعی در از بین بردن حجاب به‌عنوان چیزی داشت که ممکن بود بنیاد مدرنیته را بر باد دهد، این‌گونه مواجهه هیجانی و هراس‌آلود در تضاد سنت و مدرنیته در ایران در قالب مواجهه سنت-مدرنیته نیز ردگیری می‌شود (کرمانی، ۱۳۸۹).

پیرامون هراس اخلاقی از زمان کوهن (۲۰۰۲) تا به امروز پژوهش‌های متعددی انجام شده است که دیوید و همکاران^۵ (۲۰۱۱) آن‌ها را در ده محور زیر معرفی می‌کنند:

۱. رابطه بین هراس اخلاقی و تنظیم اجتماعی، بهنجارسازی و اجتماعی‌کردن، در این حیطه به این پرسش پرداخته می‌شود که هراس‌های اخلاقی نظم هژمونیک را تهدید می‌کنند یا تقویت.

۲. حوزه‌ای که هراس‌های اخلاقی را علیه کنشگرانی تولید و توزیع می‌کند که حاشیه‌ای هستند.

1. Islamophobia

2. Satisfaction

3. Consensus

4. Spiral of silence

5. David, Matthew; Rohloff, Amanda, Petley, Julian and Jason Hughes

۳. بررسی این مسئله که برخی هراس‌های اخلاقی برخلاف ادعای رسانه‌ها که آن را مضر می‌دانند، لزوماً مضر نیستند و می‌توانند مفید باشند. این حیطة به میزان غیرعقلانی بودن و بزرگنمایی کردن واکنش‌ها می‌پردازد.
۴. تغییر جایگاه اصطلاح هراس اخلاقی به اموراتی که فی‌نفسه اخلاقی نیستند؛ مانند مسئله محیط‌زیست یا سلامت عمومی.
۵. گسترش روزافزون هراس‌های اخلاقی در صنعت رسانه‌ها در گستره‌ای بزرگ‌تر.
۶. ظرفیت نظریه هراس اخلاقی برای بررسی اصل «عدم تناسب»^۱ معیاری است که واکنش‌های قانونی، رسانه، اجتماع و... با آن معیار می‌شوند تا میزان غیرواقعی بودن و نامعقول بودن این هراس بررسی شود.
۷. بررسی واکنش‌های مخاطب یا نفوذ رسانه‌ای بر سیاست‌گذاران.
۸. بررسی میزان توفیق مولدان هراس اخلاقی.
۹. توانایی و قابلیت‌های محققان هراس اخلاقی برای مداخله مؤثر در فرایندهای سیاسی و رسانه‌ای.
۱۰. رابطه بین هراس اخلاقی و شباطین قومی که این هراس‌ها معرفی می‌کنند. در هریک از این ده حوزه، پژوهش‌هایی صورت گرفته است که در آن‌ها یکی از این ابعاد پوشش داده می‌شود؛ برای مثال هیر^۲ (۲۰۱۱) نشان می‌دهد که مسئله هراس‌های اخلاقی مسئله بهنجارسازی است و مولدان آن غالباً نخبگان سیاسی^۳ هستند. مورگان و همکاران^۴ (۲۰۱۰) نشان می‌دهند که چگونه مسئله کنترل جرم در استرالیا با ایجاد هراس‌های اخلاقی و مسائل سیاسی مرتبط است.
- دیوید آلتید^۵ (۲۰۰۹) نیز بیان می‌کند استفاده از هراس‌های اخلاقی طی دهه‌های اخیر افزایش یافته و به یکی از عناصر سرگرمی رسانه‌ها تبدیل شده است. او در پژوهش خود نشان

1. Mismatch

2. Hier, S.P.

3. Political elite

4. Morgan, George; Dagistanli, Selda; Martin Greg

5. Altheide, David L.

می‌دهد که روزنامه‌ها و رسانه‌های نوشتاری بیش از رسانه‌های صوتی- تصویری از هراس اخلاقی بهره می‌گیرند.

آلتید و همکاران (۲۰۱۱) در پژوهش خود نشان دادند که شکاف نسلی موجود بین گروه‌های سنی جامعه، در برجسب‌زنی و ایجاد هراس اخلاقی بزرگ‌ترها برای جوان‌ترها نقش مؤثری داشته است، همچنین مورگان و همکاران (۲۰۱۰)، نقش طبقات اجتماعی-اقتصادی در ایجاد هراس اخلاقی را بررسی کردند و نشان دادند که طبقات پایین‌تر اجتماعی جامعه استرالیا، حساسیت بیشتری در قبال برخورد با مظاهر دنیای مدرن، و احساس خطر بیشتری نسبت به افشار بالادست دارند. برخی پژوهش‌ها نیز نقش میزان دین‌داری و سن را در هراس‌های اخلاقی ایجادشده درمورد خرده‌فرهنگ جوانان بررسی، و اثر مثبت و معنادار این متغیرها را در ایجاد هراس اخلاقی تأیید کرده‌اند (شهابی، ۲۰۰۸؛ هیر، ۲۰۱۱).

تامپسون و همکاران^۱ (۲۰۱۲)، نشان دادند که خرده‌فرهنگ جوانان طبقات پایین اجتماعی از منظر پلیس و رسانه‌ها، خرده‌فرهنگی خرابکار معرفی شده و تلاش می‌شود تا اقشار جامعه را برای همراهی با سیاست برخورد ناگزیر و شدید قانونی با این خرده‌فرهنگ همراه سازد.

بررسی هراس‌های اخلاقی و مکانیسم‌های آن برخوردهای دوگانه‌ای را در خود دارد، این دوگانگی بدین دلیل است که از یک‌سو رسانه‌ها سعی در بزرگنمایی و تهدیدآمیزبودن برخی افراد، گروه‌ها و جریان‌ها دارند و از دیگر سو همان‌طور که بارنوم و همکاران^۲ (۲۰۱۲) بیان می‌کنند از گزارش‌های خبری و سرمقاله‌ها انتقاد کنند.

در جوامعی که ابراز یک عقیده مخالف با دیدگاه اکثریت، هزینه‌بر باشد آدم‌ها سکوت می‌کنند. این سکوت در عمل، ماریپیچ سکوتی را به‌صورت تصاعدی ایجاد می‌کند که تنها یک صدا شنیده می‌شود و انگار صدای دیگری نیست. در این مرحله خودسانسوری به‌وجود می‌آید که ماریپیچ سکوت را تشدید می‌کند و از این طریق، آن گفتمان اصلی کار خودش را پیش می‌برد؛ مثلاً وقتی دایانا در انگلیس با همسرش تصادف کرد و مُرد، در چند روز اول، تونی بلر خُلُق ملی را تنظیم کرد که مردم چقدر غمگین باشند. خیلی‌ها که مخالف دایانا بودند جرئت

1. Thompson K, Naomi O, Lily H, Danielle E, Matthew J. Thomas, D. D.

2. Barnum, C. Richardson, N. J. and Perfetti, R. J.

نکردند مخالفت خود را اعلام کنند و حجم طرفداران دینا مشخص شد؛ بنابراین، ایده‌آسی مدل مارپیچ سکوت آن است که بیشتر افراد کوشش می‌کنند که از داشتن یک نگرش و باور به صورت منزوی و تنها اجتناب کنند؛ از این رو، فرد به محیط اطراف خود طوری نگاه می‌کند که بیاموزد کدام نظریات، حکم‌فرما، شایع و غالب است و قدرت را در دست دارد، یا کدام نظریات کمتر مسلط یا روبه‌زوال است. اگر فردی معتقد باشد که نظریات شخصی او در یک رده عقب‌تر قرار دارد، کمتر رغبتی برای بیان آن‌ها خواهد داشت؛ زیرا از انزوا^۱ می‌ترسد؛ بنابراین، تسلط بر افکار، برای نیل به این مقصود کمک می‌کند. بیشتر مردم این تمایلات را درک و عقاید خود را با آن منطبق می‌کنند. هنگامی که تعداد اعضای یک دسته، فرقه یا حزب به‌منظور تسلط بر دسته‌ها و احزاب دیگر افزایش می‌یابد و در مقابل تعداد اعضای دسته‌های دیگر کم می‌شود، تمایل عضو حزب نخست به سخن‌گفتن افزایش می‌یابد، از سوی دیگر، عضو حزب به ساکت‌بودن متمایل می‌شود؛ به این ترتیب، فراگردی مارپیچ آغاز می‌شود که فکر را پایه‌ریزی، و آن را غالب و شایع می‌کند (نوئلو-نویمان، ۱۹۷۴). در این مدل نقش وسایل ارتباط‌جمعی نیز که هر روز به‌نحوی مشخص می‌کنند عقیده و نظر مسلط کدام است اهمیت دارد. نیروی دیگری که در شکل‌گیری افکار عمومی مؤثر است و در این فراگرد جای دارد، درجه‌حمایت مردم از عقیده و نظر مطرح‌شده محیط اطراف فرد است. اگر فردی درمورد عقیده و نظری ساکت بماند، دیگران نیز در مقابل او سکوت خواهند کرد؛ بنابراین، آنچه وسایل ارتباط‌جمعی درباره‌آن عقیده و نظر مطرح می‌کنند در کنار حمایت‌نکردن از عقاید یک نفر در ارتباطات میان‌فردی، آن مارپیچ را به‌وجود می‌آورد (نوئلو-نویمان، ۱۹۷۴).

هراس‌های اخلاقی غرب در مواجهه با ایران

باید توجه کرد که جهان مدرن نیز جامعه ایران را برای مخاطبان خود به‌گونه‌ای می‌سازد که بیانگر هراس اخلاقی است؛ برای مثال اسلام‌هراسی یا مسئله‌هسته‌ای ایران با ایجاد هراس اخلاقی گسترده در جهان غرب پیگیری می‌شود. یا در مواجهه با حجاب در فرانسه و حتی در

مقاطعی در دانشگاه‌های ترکیه با هراس اخلاقی به حجاب مواجه هستیم. بازنمایی شعائر و مناسک مسلمانان در غرب به گونه‌ای است که با تروریسم و خطر جنگ همراه است. سینما در غرب به گونه‌ای است که غالب بازنمایی‌هایی که به ایرانیان و مسلمانان پرداخته می‌شود، تصویری رعب‌آور و آسیب‌زا از شعائر و مناسک آنان ارائه می‌کند، این مسئله تا جایی پیش می‌رود که برای ایجاد هراس، حتی ظاهر افراد نیز حاوی عنصری رعب‌آور است؛ برای مثال فیلم ۳۰۰ که واکنش‌های گسترده‌ای را برانگیخت و دیگر آثار سینمایی در این زمینه، همچنین می‌توان از فیلم کشتی‌گیر اثر ارنوفسکی یاد کرد و مثال‌هایی دیگر. در این آثار، ایرانیان و مسلمانان با دستاری بر صورت و ریشی پرپشت و گاهی با جای زخمی بر صورت، بسیار تنومند و غول‌نما هستند و گاهی سوار بر شتر همراه با خنجر و سلاح، مدام در پی خشونت می‌گردند و گفت‌وگوی منطقی را بر نمی‌تابند (کرمانی، ۱۳۸۹؛ شهابی، ۲۰۰۸).

همه این هراس‌ها، به سوی الگوی جنگ تمدن‌ها راه می‌برد که بنجامین باربر^۱ و هانتینگتون^۲ آن را مطرح کرده‌اند. مطابق این الگو، جهان غرب جهان مدرن و پیشرفت است و جهان شرق راهی جز این ندارد که به رنگ غربیان درآید. جهان اسلام، جهان توحش و بربریت است و جهان غرب، جهان ثبات و تمدن؛ بنابراین، تنها راه، پیروزی آخرالزمانی غرب بر نمودهای توحش شرق است (هانتینگتون، ۱۳۸۶؛ باربر، ۲۰۰۰). استدلال‌های این نوع نگاه، شرق را پر از مظاهر رعب‌آوری می‌بیند که هراس‌آور و حامل ویرانگری است. این نوع نگاه، واکنش‌هایی را برانگیخت که انتقادات به شرق‌شناسی را دربرداشت و به همین هراس‌های اخلاقی، خیالی و کاذب غربیان اشاره داشت. این نوع انتقادات بعدها به نظریه‌ها و رویکردهای پسا استعماری منجر شد (سعید، ۱۳۸۹، ص ۲۵؛ سعید، ۱۳۸۷، ص ۷۸).

هراس‌های اخلاقی در جامعه ایران

با توجه به شرحی که گذشت، به نظر می‌رسد مسئله هراس‌های اخلاقی در جامعه ایران جای پژوهش و بررسی بسیاری دارد؛ در حالی که تاریخ ایران پر از هراس‌های اخلاقی و برخورد

1. Barber, Benjamin
2. Hantingtoon

خشن با نیروهای حاشیه‌ای و شیاطین قوم است. از مسئله رافضیان و قرمطیان تا فاطمیون و مواجهه‌های سلاطین گذشته با این جریانات و هراس‌های اخلاقی ایران مدرن همگی نشان می‌دهند که هراس اخلاقی همواره یکی از کلیدی‌ترین تاکتیک‌های صاحبان قدرت برای مواجهه و برخورد با مخالفان بوده‌اند.

در برخورد با حلاج و سهروردی و برخی دیگر از عرفا می‌بینیم که ابتدا صاحبان قدرت با به‌کارگیری ارزش‌های دینی و اسلامی به وجود این افراد هشدار دادند و پس از اینکه گروهی از افراد را با خود همراه کردند برخوردی خشن با این نیروهای دگراندیش داشتند. شواهد دیگر در ایران باستان دربارهٔ برخورد با مانی و مزدک و مسئلهٔ مانویان قابل ردگیری است. شاهد‌های دیگری نیز در تاریخ اسلام دیده می‌شود؛ برای مثال جریان تشیع علوی از سوی حجاج جریانی ضد دین و مشرک معرفی شد که پس از آن کشتار و قتل‌عام به شدیدترین وجه مطرح شد (کرمانی، ۱۳۸۹).

وجود هراس‌های اخلاقی در ایران مدرن نیز، یکی از عمده‌ترین تاکتیک‌های نخبگان برای همراه کردن تودهٔ مردم با خود است. برخی از این نمونه‌ها را می‌توان در مسئلهٔ دوش حمام و برخورد جدی روحانیت وقت با این پدیده دانست. در آن دوره بیان می‌شد که استفاده از دوش برای غسل کردن جایز نیست و بدین‌وسیله دربارهٔ وجود این پدیده در بین مردم هشدار داده شد. مطابق با الگوی استنلی کوهن می‌توان گفت این هراس‌های اخلاقی در بدو امر یعنی در مرحلهٔ هشدار باقی ماندند؛ زیرا بین قدرت حکومتی و نیروی مولد هراس اخلاقی و رسانه‌های وقت همسویی در برخورد با پدیده وجود نداشت، اما هراسی نسبی از وجود این پدیده‌های جدید در جامعهٔ ایران را پدید آورد.

نکتهٔ دیگری که در تاریخ ایران وجود دارد و با نظریهٔ هراس اخلاقی تبیین می‌شود، مسئلهٔ مدارس جدید است. مخالفت با مدارس جدید را شاید بتوان با الگویی که استوارت هال در هراس اخلاقی به کار می‌گیرد تبیین کرد.

«پیدایی طبقهٔ جدید روشنفکر در ایران به ستیز سنت‌گرایان و روشنفکران به‌منظور تأسیس مدارس منجر شد. تعطیل شدن مکتب‌خانه‌ها که وسیلهٔ ارتباطی بین خانواده و روحانیت بود، بر شدت مخالفت با مدارس جدید می‌افزود؛ زیرا با تعطیلی مکتب‌خانه‌ها، اولین مکان مؤثر در

شکل‌دهی ذهنیت دینی دچار آسیب می‌شد؛ برای مثال، میرزا علی‌اکبر مجتهد در اردبیل مانع بزرگی برای تأسیس مدارس نوین بود. او این مدارس را اشکولا (برگرفته از واژه School به معنی مدرسه) می‌خواند و به مردم عامی می‌گفت که تحصیل در چنین مدرسی سبب ترویج بی‌بندوباری می‌شود؛ از این رو به‌واسطه داشتن قدرت و ثروت به کمک هوادارانش در تعطیلی مدارس نقش عمده‌ای ایفا کرد؛ زیرا روشن شدن حقایق علوم زمان از جمله تحصیل کودکان به علوم جدید فی‌المثل جغرافیا سبب بروز بای‌گری می‌شد. در این بین، به‌واسطه فشارهای بیش‌ازحد او مخبرالسلطنه دستور داد موقتاً تدریس جغرافیا در مدارس نوین حذف شود تا به نحوی موجب تعطیلی مدارس نشود» (کرمانی، ۱۳۸۹).

پیرامون هراس‌های اخلاقی در جامعه مدرن ایرانی تنها اثر موجود تا حد اطلاع نویسنده، اثر محمود شهابی با عنوان «هراس اخلاقی ایرانیان در مورد ویدئو: تاریخ مختصر تحلیل خط‌مشی‌ها» است. شهابی^۱ (۲۰۰۸) نشان می‌دهد که مسئله ویدئو و برخورد با آن چگونه با نظریه هراس اخلاقی تبیین می‌شود. گفتنی است ورود ویدئو به ایران با واکنش‌هایی جدی مواجه شد و در ابتدا به‌عنوان ویران‌کننده بنیان خانواده و ارزش‌های اسلامی، در روزنامه‌ها به آن هجوم برده شد سپس وزیر ارشاد وقت با سخنرانی علیه این پدیده، مخالفان برخورد با ویدئو را در ماریج سکوت انداخت و در نتیجه به دستور وزارت ارشاد، ویدئو دستگاه و وسیله‌ای غیرقانونی اعلام شد. همین مسئله و همین فرایند در برخورد با ماهواره هم دیده می‌شود. ماهواره همچنان در رسانه ملی به‌عنوان پدیده‌ای ویرانگر، و عامل فساد و هرزگی معرفی می‌شود تا بتوان هراس اخلاقی در موردش ایجاد کرد، اما به‌نظر می‌رسد با توجه به میزان استفاده زیاد این پدیده در بین ایرانیان هنوز در ایجاد هراس اخلاقی فراگیر به آن چندان موفقیتی صورت نگرفته است؛ هرچند برخوردهای گاه‌گاهی با پدیده صورت می‌گیرد، در مجموع عمل رسانه‌ها در برخورد با این پدیده را می‌توان ذیل نظریه هراس اخلاقی توضیح داد.

دیگر شواهدی که برای این پدیده و سهم رسانه در بروز آن می‌توان ذکر کرد، برنامه شوک و نشان‌دادن سبک زندگی متوسط و طبقه بالای تهران به‌عنوان سبک ضد ارزش‌های

دینی، ملی و ویرانگر است. در این برنامه در بسیاری موارد تلاش می‌شود تا جوانانی را که سبک زندگی متفاوت دارند به‌عنوان شیاطین قوم معرفی کند.

جدیدترین مسئله‌ای که می‌توان آن را با مکانیسم هراس اخلاقی توضیح داد، مسئله بدحجابی در ایران است. بدحجاب به‌عنوان موجودی که عفت جامعه را هدف می‌گیرد و اخلاقیات را زیر پا می‌گذارد بر ساخته می‌شود و رسانه‌ها نیز بر این مسئله و بحرانی بودن آن دامن می‌زنند. تریبون‌های مختلف، فرد بدحجاب را گناهکار، فاسد، ویرانگر اخلاق، محرک گرایز پلید انسانی و... معرفی می‌کنند، در نتیجه پس از مدتی طرح عفاف و امنیت اخلاقی جامعه با محور برخورد با افراد بدحجاب پدید می‌آید، سپس گشت ارشاد به‌عنوان نیروی کنترل‌کننده و برخوردکننده در میدان‌های اصلی شهر مستقر می‌شود. پس از انجام این واکنش رسانه‌ای، نظرسنجی‌هایی صورت می‌گیرد و با مکانیسم ماریپیچ سکوت تلاش می‌شود این حرکت کاملاً همسو با افکار عمومی جلوه داده شود. فارغ از اینکه آیا بدحجابی پدیده‌ای خوب است یا بد و آیا مردم در برخورد با بدحجابی هم‌نوا هستند یا نه، فرایند برساختن فرد بدحجاب به‌عنوان موجودی شیطانی و ویرانگر از مکانیسم هراس اخلاقی پیروی می‌کند؛ برای مثال در وبلاگ بدحجابی، در وصف جهنم و پیرامون بدحجابان می‌خوانیم «زنی به خاطر نشان دادن موهایش به نامحرم، به موهایش آویزان بود و مغز سرش می‌جوشید». «زنی به علت خارج شدن از منزل بدون اجازه شوهر در تنوری از آتش، به پاهای خویش آویزان شده بود». «زنی به علت آنکه خود را به مردان نامحرم نشان داده بود تا به او رغبت کنند، گوشت بدنش با قیچی‌هایی آتشین بریده می‌شد».

چنین تاکتیک‌ها و برخوردهایی برای ایجاد هراس اخلاقی و در ماریپیچ سکوت انداختن مخالفان تازگی ندارد و پدیده‌ای تاریخی میان ایرانیان است، البته باید خاطر نشان کرد که این پدیده در غرب شیوع زیادی دارد و نمود عینی آن مسئله اسلام‌هراسی است. رسانه‌های غربی از ۱۱ سپتامبر به این سو با شیطانی جلوه‌دادن مسلمانان امکان حمله نظامی به عراق و افغانستان را فراهم کردند.

با توجه به مطالعات در حیطه هراس اخلاقی، به نظر می‌رسد این مسئله پدیده‌ای فراگیر است، اما در ایران علی‌رغم وفور آن کمتر بدان پرداخته شده است و تا حد اطلاع نویسنده،

کمتر پژوهشی در این زمینه وجود دارد؛ بنابراین، هدف پژوهش حاضر بررسی تاریخی و تجربی هراس اخلاقی در ایران و نسبت آن با بروز برخی پدیده‌ها در جامعه ایران است. در پژوهش حاضر تلاش می‌شود علاوه بر مرور ادبیات نظری این حیطه در غرب، شواهد و مثال‌هایی تاریخی از ایران ارائه، و با نظریه هراس اخلاقی تبیین و بررسی شود.

فرضیه‌های پژوهش

با توجه به پیشینه تاریخی هراس‌های اخلاقی در ایران و اینکه دین‌داری و خطر از میان رفتن دین و ارزش‌های دینی یکی از محوری‌ترین حیطه‌های اخلاق و مکانیسم‌های هراس اخلاقی در ایران بوده است، در این پژوهش دین‌داری و شدت آن یکی از متغیرهای مؤثر بر هراس‌های اخلاقی به‌شمار می‌آید. از سوی دیگر طبقه اجتماعی-اقتصادی افراد نیز به دلیل مرتبط بودن با میزان توسعه فرهنگی افراد و امکان دسترسی به فضاهای جهانی و ممانعت از آن به‌عنوان یکی دیگر از متغیرها بررسی شده است، همچنین شواهد نشان می‌دهد که جوانان ایرانی در مقایسه با بزرگسالان به رسانه‌های نوین ارتباطی تمایل بیشتری دارند (شهابی، ۲۰۰۸) بنابراین، سه فرضیه اصلی پژوهش حاضر عبارت است از:

۱. میزان دین‌داری با شدت هراس‌های اخلاقی رابطه دارد.
۲. پایگاه اجتماعی-اقتصادی با شدت هراس اخلاقی مرتبط است.
۳. سن با شدت هراس اخلاقی رابطه دارد.

روش‌شناسی پژوهش

جامعه آماری این پژوهش، شامل تمام زنان و مردان متأهل و ساکن در ناحیه ۶ منطقه ۲ شهر تهران (سرای محله توحید) است. روش این تحقیق همبستگی، و ملاک‌های ورود به پژوهش شامل داشتن حداقل ۲۰ سال و رضایت از شرکت در مطالعه است. با توجه به حجم جامعه آماری و استفاده از جدول حجم انتخاب نمونه گرجسی و همکاران (سعدی‌پور، ۱۳۹۵) ۱۸۵ نفر از جامعه فوق با روش تصادفی طبقه‌ای انتخاب شدند. روش نمونه‌گیری به این صورت بود که ابتدا محدوده مطالعاتی (ناحیه ۶ منطقه ۲ شهر تهران) مشخص، سپس براساس

همکاری‌های مدیران سرای محله توحید و با توجه به وضعیت اجتماعی-اقتصادی، این ناحیه به سه سطح پایین، متوسط و بالا تقسیم شد. در ادامه متناسب با حجم و میزان گستردگی هر سطح، به‌طور تصادفی خانوارهایی از این منطقه انتخاب شدند و با مراجعه به درب منازل، پرسشنامه‌ها در اختیار پاسخگویان قرار گرفت. داده‌ها نیز با استفاده از روش‌های آمار توصیفی (میانگین و انحراف معیار) و آمار استنباطی (همبستگی پیرسون^۱ و رگرسیون گام‌به‌گام^۲) در نرم‌افزار SPSS۲۲ تحلیل شد.

ابزارهای پژوهش

سیاهه تعهد مذهبی^۳

به‌منظور سنجش متغیر دین‌داری، از سیاهه تعهد مذهبی که ورتینگتون^۴ و همکاران (۲۰۰۳) برای ارزیابی میزان تعهد مذهبی افراد ساخته‌اند، استفاده شد. این پرسشنامه ۱۰ عبارت و ۲ زیر مقیاس تعهد مذهبی درون‌فردی^۵ (۶ گویه)، و تعهد مذهبی میان‌فردی^۶ (۴ گویه) دارد. پاسخگویان در یک طیف لیکرت ۵ درجه‌ای میزان موافقت یا مخالفت خود را با هریک از ۱۰ عبارت این سیاهه مشخص می‌کنند. تعهد مذهبی نشان می‌دهد که یک فرد تا چه حد درگیر امور مذهبی است.

گفتنی است تعهد مذهبی درون‌فردی شامل ارزش‌گذاری فردی به عقاید مذهبی و پایبندی و وفاداری به مقدسات است، در حالی که تعهد مذهبی میان‌فردی به تمایل رفتاری برای شرکت در فعالیت‌های مذهبی اشاره دارد. پایایی بازآزمایی مقیاس در فاصله سه هفته برای کل آزمون ۰/۸۷، زیر مقیاس تعهد مذهبی درون‌فردی ۰/۸۶ و زیر مقیاس تعهد مذهبی میان‌فردی ۰/۸۳ بوده است. ضریب آلفای کرونباخ این مقیاس نیز برای کل آزمون ۰/۹۳، زیر مقیاس تعهد مذهبی درون‌فردی ۰/۹۲ و زیر مقیاس تعهد مذهبی میان‌فردی ۰/۸۷ گزارش شده است که حاکی از همسانی درونی مطلوب آزمون است (ورتینگتون، ۲۰۰۳). همسانی درونی این پرسشنامه در ایران را ایران‌نژاد نجف‌آبادی (۱۳۹۲) محاسبه کرد و به‌ترتیب برای کل مقیاس،

-
1. Pearson correlation
 2. Stepwise regression
 3. The Religious Commitment Inventory
 4. Worthington
 5. Intrapersonal Religious Commitment
 6. Interpersonal Religious Commitment

زیر مقیاس‌های تعهد مذهبی درون فردی و تعهد مذهبی میان فردی، ۰/۸۶، ۰/۹۱، ۰/۸۹، به دست آمد. در پژوهش حاضر نیز ضریب همسانی درونی برای کل مقیاس، ۰/۸۵ بود. در بررسی روایی پرسشنامه حاضر نشان داده شده است که همبستگی پرسشنامه تعهد مذهبی با فرم خودگزارشی تعهد مذهبی، میزان شرکت در مراسم‌های مذهبی و همکاری با نهادهای مذهبی و گزارش فردی از میزان مذهبی بودن معنادار بود که این امر حاکی از اعتبار ملاکی و سازه آزمون است، همچنین همبستگی پرسشنامه تعهد مذهبی با مقیاس صفات همدلی باتسون^۱ بیانگر اعتبار همگرایی این ابزار است (ورتینگتون، ۲۰۰۳).

پرسشنامه پایگاه اجتماعی-اقتصادی (ذهنی)^۲

این پرسشنامه را نبوی، حسین‌زاده و حسینی (۱۳۸۷)، به منظور شناسایی وضعیت اجتماعی-اقتصادی پاسخگویان ساخته‌اند که بر مقوله‌های اجتماعی مشتمل است که عناصر مشترک ذهنی برجسته‌ای دارد و افراد آن‌ها را به کار می‌گیرند تا خود را در نظام قشریندی اقتصادی رده‌بندی کنند. سنجش طبقه ذهنی، درجه‌بندی افراد به وسیله خودشان است. این پرسشنامه ۶ گویه دارد که پاسخگو به تکمیل آن بر روی یک طیف ۵ درجه‌ای لیکرت می‌پردازد. میزان آلفای کرونباخ این مقیاس در مطالعه نبوی و همکاران ۰/۷۱ گزارش شده است. در آخرین اجرای این آزمون بر روی دانشجویان دانشگاه شهید چمران اهواز، میزان اعتبار این پرسشنامه، ۰/۸۰ به دست آمد (پورافکاری، حکیمی‌نیا، حیدری و فروتن‌کیا، ۱۳۹۱). ضریب پایایی این پرسشنامه در مطالعه حاضر نیز ۰/۸۱ به دست آمد. این مقیاس در پژوهش حیدری و دیگران (۲۰۱۲ و ۲۰۱۳)، نیز به کار رفته و پایایی و اعتبار آن تأیید شده است.

پرسشنامه هراس اخلاقی^۳

به منظور سنجش متغیر هراس اخلاقی، از پرسشنامه هراس اخلاقی شهابی (۲۰۰۸) استفاده شد که با توجه به فضای فرهنگی ایرانیان و هراس اخلاقی آن‌ها از پدیده‌ها و سبک‌های زندگی مدرن

1. Batson

2. Socioeconomic Status (Mental) Inventory

3. Moral Panic Inventory

(مخصوصاً ماهواره و ویدئو) ساخته شده است. این پرسشنامه ۸ عبارت دارد و برای بررسی اعتبار آن از اعتبار صوری و نظر ۱۵ نفر از استادان روان‌شناسی اجتماعی، جامعه‌شناسی فرهنگی و مطالعات فرهنگی بهره گرفته شده است. پاسخگویان در یک طیف لیکرت ۵ درجه‌ای، میزان موافقت یا مخالفت خود را با هریک از ۸ عبارت این پرسشنامه مشخص می‌کنند. همسانی درونی این پرسشنامه در مطالعه شهابی (۲۰۰۸) محاسبه و ۰/۸۸ به دست آمده است. در پژوهش حاضر نیز ضریب آلفای کرونباخ، ۰/۸۵ به دست آمد.

یافته‌های پژوهش

به منظور تجزیه و تحلیل داده‌ها از روش‌های توصیفی و استنباطی استفاده شد. در جدول ۱ میانگین، انحراف استاندارد، کمینه و بیشینه در کل نمونه ارائه شده است.

جدول ۱. آماره‌های توصیفی متغیرهای پژوهش

متغیرها	میانگین	انحراف استاندارد	حداقل	حداکثر
سن	۳۸/۵۲	۱۳	۱۸	۷۲
دین‌داری	۲۸/۰۷	۷/۳	۹	۴۰
طبقه اجتماعی-اقتصادی	۱۵/۳۰	۴/۳۹	۷	۲۵
هراس اخلاقی	۲۲/۶۴	۷/۹۱	۸	۴۰

در توزیع نمونه ۹۹ نفر مرد و ۸۵ نفر زن بودند و یک نفر جنسیت خود را ذکر نکرده بود. براساس یافته‌های موجود در جدول ۱، میانگین سنی نمونه ۳۸/۵۲ با انحراف استاندارد ۱۳ بود. یافته‌های توصیفی نشان می‌دهد که میانگین نمره دین‌داری از حداکثر ۴۰، ۲۸/۰۷ است که بیشتر از حد وسط مقیاس است. همچنین میانگین نمره هراس اخلاقی نیز از حداکثر ۴۰، ۲۲/۶۴ است که بالاتر از حد وسط تجربی مقیاس است و بسیاری از هراس‌های اخلاقی در جامعه را نشان می‌دهد. میانگین نمره پایگاه اجتماعی-اقتصادی ذهنی نیز از حداکثر ۲۵، ۱۵/۳۰ است. در جدول ۲ ضرایب همبستگی متغیرهای پیش‌بین (دین‌داری، طبقه اجتماعی-اقتصادی و سن) با متغیر ملاک (هراس اخلاقی) گزارش شده است.

جدول ۲. نتایج آزمون همبستگی پیرسون بین متغیرهای پژوهش

متغیرها	هراس اخلاقی
دین‌داری	۰/۳۴۱**
طبقه اجتماعی-اقتصادی	-۰/۲۴۰
سن	۰/۲۳۷**

**= $P < 0.001$

به منظور آزمون فرضیات از ضریب همبستگی پیرسون استفاده شد. نتایج جدول ۲ نشان داد بین دین‌داری و هراس اخلاقی، همبستگی مثبت و معنادار ($r=0.341$) برقرار است؛ یعنی با افزایش دین‌داری، هراس‌های اخلاقی نیز بیشتر می‌شود، همچنین طبقه ذهنی با هراس اخلاقی رابطه منفی و معنادار دارد ($r=-0.240$)؛ به این صورت که طبقات پایین‌تر اجتماع، هراس‌های اخلاقی بیشتری دارند. یافته سوم حاکی از رابطه مثبت و معنادار سن با هراس اخلاقی است؛ بنابراین، افزایش سن با بیشتر شدن هراس‌های اخلاقی رابطه دارد. نتایج تحلیل رگرسیون گام‌به‌گام برای پیش‌بینی هراس اخلاقی براساس متغیرهای پیش‌بین در جدول ۳ گزارش شده است.

جدول ۳. نتایج تحلیل رگرسیون گام‌به‌گام برای پیش‌بینی هراس اخلاقی براساس متغیرهای مستقل پژوهش

مرحله	مدل	R	R ²	B	Beta	T	Sig
اول	سن	.۳۷۸	۰/۱۴۳	۰/۱۲۷	۰/۲۰۹	۲/۸۴۵	۰/۰۰۵
دوم	دین‌داری	۰/۴۲۷	۰/۱۸۲	۰/۳۶۴	۰/۳۲۴	۴/۴۰۰	۰/۰۰۰
سوم	طبقه اجتماعی-اقتصادی	۰/۴۶۲	۰/۲۱۳	۰/۴۰۲	-۰/۲۲۳	-۳/۰۳۶	۰/۰۰۳

نتایج حاصل از تحلیل رگرسیون نشان می‌دهد هر سه متغیر حدود ۰/۲۱۳ از واریانس هراس اخلاقی را تبیین می‌کنند و اثر هر سه در معادله رگرسیون بر هراس اخلاقی معنادار است. چیدمان اثرات به ترتیب متعلق به دین‌داری با ضریب بتای ۰/۳۲۴، طبقه اجتماعی-اقتصادی با ضریب بتای -۰/۲۲۳ و سن با ضریب بتای ۰/۲۰۹ است. نتایج در جدول ۳ ارائه شده است.

بحث و نتیجه‌گیری

در پژوهش حاضر تلاش شد تا نظریه هراس اخلاقی از منظر متفکران اصلی این حوزه در بستر تاریخی جامعه ایران واکاوی شود. از آنجا که تاریخ ایران‌زمین سرشار از پدیده‌هایی است که می‌توان با آن‌ها هراس اخلاقی را بررسی کرد، تا حد اطلاع نویسنده هیچ‌گونه پژوهشی در این مورد در ایران صورت نگرفته است؛ از این‌رو انجام این پژوهش در اولویت کاری قرار گرفت. مرور برخی وقایع تاریخی از زمان مانی و مزدک تا وقایع عصر قجر و ایران مدرن نشان می‌دهد که رسانه‌ها در ایران با همدستی صاحبان قدرت در بسیاری از حیطه‌ها با به‌کارگیری و تولید هراس اخلاقی اهداف خود را پیش می‌برند. مرور این پدیده نشان می‌دهد تاریخ فرهنگی ایران در بسیاری از موارد حول هراس‌های اخلاقی چرخیده است، این فرایند کماکان ادامه دارد و یکی از نقاط اتصال امر سیاسی و فرهنگی است، همچنین تولید هراس‌های اخلاقی در برابر جریان‌ات سیاسی را می‌توان یکی از موانع دموکراتیزه‌شدن قدرت در ایران دید. جریان‌ات حاکم با سیاه‌نمایی و شیطان‌نشان‌دادن جریان‌ات رقیب، غالباً عرصه سیاسی را به نفع خود مصادره می‌کنند و جریان‌ات دیگر را به حاشیه می‌رانند. تولید هراس‌ها علیه جریان‌ات رقیب تا حدی است که حتی در بسیاری از موارد امکان بازیابی و به عرصه قدرت برگشتن جریان رقیب به‌کلی وجود ندارد. این مسئله را می‌توان در هراس‌های اخلاقی دهه‌های اول انقلاب به‌وضوح مشاهده کرد، همچنین در امر فرهنگی هراس‌های اخلاقی حول اقلیت‌ها و سبک‌های زندگی مختلف فرهنگ را نیز به امر سیاسی پیوند می‌زند. هراس‌آفرینی حول سبک‌هایی از زندگی که فی‌نفسه آسیبی به نظم ارزشی و هنجاری نمی‌زنند و تنها وجهی از تکثر در نظام فرهنگی را نشان می‌دهند، یکی از موانع دموکراتیزه‌شدن عرصه فرهنگ است. رواج جریان‌ات زیرزمینی - از موسیقی زیرزمینی تا سبک‌های زندگی پنهان و پنهان‌سازی - یکی از پیامدهای این هراس‌آفرینی است.

متأسفانه، این مکانیسم کماکان ادامه دارد و به‌نظر می‌رسد شیب رو به بالایی داشته باشد. رفتارهای رسانه‌ای و سیاسی سال‌های اخیر نشان از بحرانی در این حیطه دارد که روزبه‌روز بر شدت آن افزوده می‌شود. در این بررسی تلاش شد تا روند تاریخی این مسئله در ایران با

ارجاع به شواهدی تاریخی و در نسبت با نظریه‌های این حیطه واکاوی، و توجه محققان روان‌شناسی تربیتی به این حیطه مهم برای بررسی پدیده‌های مولد هراس اخلاقی جلب شود. یافته‌های کمی بیانگر اثر معنادار دین‌داری، طبقه و سن بر هراس‌های اخلاقی بود. نتیجه پژوهش بیانگر وجود رابطه مثبت و معنادار متغیرهای سن و دین‌داری با هراس اخلاقی و رابطه منفی و معنادار طبقه اجتماعی-اقتصادی با هراس اخلاقی بود. این نتایج با نتایج حاصل از پژوهش‌های کوهن، ۲۰۰۲؛ شهابی، ۲۰۰۸؛ مورگان و همکاران، ۲۰۱۰؛ متیو و همکاران، ۲۰۱۱؛ هیر، ۲۰۱۱ و تامپسون و همکاران، ۲۰۱۲ هماهنگ است. در تبیین این یافته‌ها می‌توان گفت، طبقات پایین‌تر به دلیل توسعه‌یافتگی فرهنگی کمتر در مواجهه با پدیده‌ها و تجلیات مدرن و جهانی بیشتر احساس خطر و هراس از دست دادن اصالت اخلاقی جامعه را دارند (تامپسون و همکاران، ۲۰۱۲). از سوی دیگر، دین‌داری متغیری مهم است که شدت آن و پایبندی به مناسک و شعائر دینی موجب هراس بیشتر از تجلیاتی می‌شود که به شکل صوری با دین‌داری در تضاد هستند (هیر، ۲۰۱۱)، البته بهتر است که بُعد مناسکی و ایمانی دین‌داری به صورت مجزا دیده شود تا اثر دین‌داری بر هراس‌های اخلاقی دقیق‌تر دیده شود. سن نیز از متغیرهای اثرگذار بر هراس‌های اخلاقی است. نسل پیشین به دلیل تعلق خاطر به عناصر سنت، بیشتر از تجلیات مدرن و جهانی‌شده هراس دارد و این تجلیات را خطری برای ویرانی جنبه‌های اخلاقی می‌بیند (متیو و همکاران، ۲۰۱۱؛ شهابی، ۲۰۰۸). این یافته را با شکاف نسلی نیز می‌توان تبیین کرد. نسل جدید به پدیده‌های نوین و مدرن تمایل بیشتری دارد که این تمایل بر نگرش‌های آن‌ها به تعلقات و عناصر سنتی اثر می‌گذارد، همین امر موجب می‌شود از نظر فرهنگی با نسل پیشین تفاوت داشته باشند و از دیگر سو این تفاوت با نسل پیشین سبب احساس خطر نسل قبل در قبال از دست رفتن اخلاقیات می‌شود. در واقع، می‌توان چنین ادعا کرد که مخاطبان رسانه‌ها و نسل‌های کنونی، در معرض انتشار و نمایش پیام‌های متنوع رسانه‌های موجود قرار دارند و پیام‌هایی که دریافت می‌کنند، سنت‌ها و الگوهای فرهنگی، اجتماعی و نسلی جوامع، همچنین روابط نسلی آن‌ها را دستخوش چالش و دگرگونی فرهنگی می‌کند (منصورنژاد، ۱۳۸۲).

با توجه به نتایج این پژوهش، سن، دین‌داری و طبقه اجتماعی-اقتصادی پیش‌بینی‌کننده

هراس اخلاقی هستند؛ بنابراین، می‌توان استنباط کرد که هراس‌های اخلاقی، همواره یکی از تاکتیک‌های عمده برخورد با جریان‌ات رقیب در ایران بوده است؛ به نحوی که نیروهای رقیب و حاشیه‌ای با کمک رسانه‌های سنتی و مدرن در قالب شیاطین قوم برساخته شده‌اند تا امکان برخورد قهرآمیز و کنترل اجتماعی بر آن‌ها ممکن شود؛ از این‌رو، متصدیان مسائل تربیتی از نقطه نظر کاربردی و با توجه به نقش سن و افزایش تمایل نسل جدید به پدیده‌های نوین و مدرن به‌ویژه در حوزه رسانه‌ای، ضرورت شناخت تمایزات بین نسلی، شناخت جایگاه رسانه‌ها در رشد اخلاقیات جامعه و عرضه محتوای فرهنگی مناسب برای جوانان را پیشنهاد می‌کنند. محدودیتی که در ساختار روش، از جمله منحصرشدن نمونه‌گیری به محدوده جغرافیایی خاص و ابزار پژوهش وجود دارد، تعمیم‌پذیری نتایج را به ساختار روش مورد استفاده منحصر می‌کند که پیشنهاد می‌شود در مطالعات بعدی به آن توجه شود.

منابع

- سعدی‌پور، اسماعیل (۱۳۹۵)، روش‌های تحقیق در روان‌شناسی و علوم تربیتی، ج ۱. تهران: نشر دوران.
- سعید، ادوارد (۱۳۸۷)، برخورد تمدن‌ها (غرب و اسلام)، ترجمه عبدالرحیم گواهی، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- (۱۳۸۹)، شرق‌شناسی، ترجمه عبدالرحیم گواهی، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- کرمانی، محمد بن علی ناظم الاسلام (۱۳۸۹)، تاریخ بیداری ایرانیان، به اهتمام محمدرضا حسن‌بیگی، تهران: نشر دبیر.
- مک کوایل، دنیس (۱۳۸۸)، درآمدی بر نظریه ارتباطات جمعی، ترجمه پرویز اجلالی، تهران: نشر وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- نبوی، عبدالحسین، حسین‌زاده، علی‌حسین و حسینی، هاجر (۱۳۸۷)، «بررسی تأثیر پایگاه اجتماعی-اقتصادی، احساس بی‌قدرتی و هویت قومی بر احساس امنیت اجتماعی»، مجله دانش انتظامی، شماره ۳۹: ۹-۳۸.

• هانتینگتون، ساموئل (۱۳۸۶)، **هانتینگتون و منتقدانش: نظریه برخورد تمدن‌ها**،

ترجمه وحید مجتبی امیری، تهران: وزارت امور خارجه، مؤسسه چاپ و انتشارات.

- Altheide, David L. (2009), "Moral panic: From sociological concept to public discourse", **Crime Media Culture**, 5: 79
- Barber, B. (2000), **Islam versus Mc word**, Ballantine book, New York.
- Barnum, C. Richardson, Nick J. and Perfetti, Robert J (2012), **The Relationship Between Underage Alcohol Possession and Future Criminal Behavior: An Empirical Analysis Using Age-Period Cohort Characteristics Models**, SAGE.
- Ben-Yehuda N and Goode E. (1994), **Moral Panics: The Social Construction of Deviance**, Oxford: Blackwell.
- Cohen, Stanley (2002), **Folk Devils and Moral Panics: The creation of the Mods and Rocker**, Third edition published 2002 by Routledge.
- David, M. et al. (2011), "The idea of moral panic – ten dimensions of dispute", **Crime Media Culture**, Vol.7, No.3: 215–228.
- Hall, S. et al. (1978), **Policing the Crisis: Mugging, the State and Law and Order**, London: Macmillan Press.
- Heydari, A. et al. (2012), "Relationship Between Socioeconomic Status, Anomie, And Authoritarianism", **Journal of social science and humanities**, Vol.???, No 1: 176-188.
- Hier, S.P. (2011), "Tightening the focus: Moral panic, moral regulation, and liberal government", **British Journal of Sociology**, Vol. 62, No. 3: 22-29.
- <http://parnianepakdamani.blogfa.com>
- Morgan, G. Dagistanli, S. and Martin G. (2010), '**Bikie Gang Wars' in New South Wales Global Fears, Local Anxiety: Policing, Counterterrorism and Moral Panic Over**. Australian and New Zealand Journal of Criminology,43: 580
- Noelle-Neumann, Elisabeth (1974), **The Spiral of Silence: Public Opinion-Our Social Skin**, University of Chicago press.
- Noelle-Neumann, E. (1977), "Turbulances in the climate of opinion: Methodological applications of the spiral of silence theory", **Public Opinion Quarterly**, Vol.5, No 41: 143–158.
- Shahabi, M. (2008), **The Iranian moral panic over video: a brief history and policy analysis**, In Mehdi Semati, ed., *Media, Culture and Society in Iran: Living with Globalization and the Islamic State*, London, New York: Routledge,
- Thompson K., et al. (2012), "From broken windows to a renovated research agenda: A review of the literature on vandalism and graffiti in the rail industry", **Transportation Research**, Vol.9, No. 46: 1280–1290.
- Worthington E. L., et al. (2003), "The Religious Commitment Inventory-10: Development, refinement, and validation of a brief scsle for research and counseling", **Journal of Counseling Psychology**, No 50: 84-96.